

Political Currents of the Presidential Election 1400

Mohammad Reza Akhzariyan Kashani¹
Rashid Jafarpour²

Received Date: 14 Apr 2021
Reception Date: 26 Jul 2021

The presidential election plays an important role in strengthening the people's connection with the future of the country. In the Islamic Republic of Iran, with the presidential election, the second executive position of the country has been elected for 4 years and the election of each person at this level will play a decisive role on the various executive levels of the country. In the run-up to the 13th presidential election, various political currents are seeking to nominate a candidate on the campaign scene. Due to the importance of this period of the presidential election, researchers study the political current by trying to examine the possibility of the dominance of political currents. The present article examines the formation of different discourses and tries to present the spectrum of elections with a specific analytical model and explain the patterns of participation based on it. It is assumed that if the candidates of these discourses pass the supervision of the Guardian Council and the effective components of the international system do not change significantly, the presence of the discourse of political and social currents based on three discourses with specific sub-discourses will play a role in election staging. The question is, what are the scenarios of discourse competition in the upcoming elections and what effect will they have on people's voting behavior? The method of analysis in this paper will be the method of discourse. In collecting data, library and documentary sources as well as reliable internet sources have been used.

Keywords: Presidential Election, Political Currents, Discourse, Scenario, Behavior.

1. Faculty Member of the Expert group of the Political Thought of Islam, Tehran University, Iran (Responsible Author). makashani@ut.ac.ir Department of Sociology, Unit of Tehran Center, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Lecturer at the University, Graduated from a Ph.D in Political Sociology, Imam Sadeq University.

جریان‌شناسی سیاسی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

محمد‌رضا اخضریان کاشانی^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۵

رشید جعفرپور^۲

پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۴

چکیده

انتخابات ریاست جمهوری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مشارکت سیاسی اجتماعی کشور نقش مهمی در ارتقای مردم‌سالاری و تقویت پیوند مردم با آینده کشور دارد. بر اساس ساختار جمهوری اسلامی ایران با انتخابات ریاست جمهوری دومین مقام اجرایی و رئیس قوه مجریه کشور به مدت ۴ سال انتخاب می‌شود و در نتیجه، انتخاب هر فردی در این سطح، نقش تعیین‌کننده‌ای بر سطوح مختلف سیاست‌گذاری و اجرایی کشور خواهد گذاشت. در سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران، جریان‌های مختلف سیاسی اجتماعی با ارزیابی فضای عمومی کشور، درصدد معرفی نامزد برای رقابت در صحنه مبارزات انتخاباتی در سال ۱۴۰۰ بوده‌اند. به دلیل اهمیت انتخابات ریاست جمهوری به‌طور کلی، و نیز اهمیت آن دوره به دلایل تعیین‌کنندگی آن برای آینده نظام، پژوهشگران جامعه‌شناسی سیاسی، به بررسی احتمال غلبه گفتمانی جریان‌های سیاسی اجتماعی موجود نموده‌اند. نوشتار حاضر با بررسی سپهر گفتمانی کشور با توجه به سابقه‌ای که این گفتمان‌ها در چند دهه اخیر انقلاب اسلامی داشته‌اند، سعی نموده است طیف‌بندی جریان‌شناسی سیاسی اجتماعی انتخابات را با الگوی تحلیلی مشخصی ارائه و بر اساس آن، الگوهای مشارکت در سه سطح مشارکت پایین، متوسط و حداکثری را تبیین نماید. فرض بر این بوده که اگر نامزدهای همه این گفتمان‌ها به‌جز گفتمان معاند و برانداز، با تأیید شورای نگهبان در صحنه عمل حضور پیدا نمایند و مؤلفه‌های مؤثر نظام بین‌الملل هم تغییر محسوسی ننمایند، حضور گفتمانی جریان‌های سیاسی و اجتماعی بر اساس سه گفتمان با زیرگفتمان‌های مشخص، در

۱. عضو هیات علمی گروه تخصصی اندیشه سیاسی اسلام دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول). makashani@ut.ac.ir

۲. مدرس دانشگاه، دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (ع).

صحنه‌آرایی انتخابات نقش‌آفرینی نمایند. سؤال اصلی این مقاله است که سناریوهای رقابت گفتمانی در انتخابات ۱۴۰۰ کدام بوده و چه تأثیری بر رفتار رأی‌دهی مردم گذاشته‌اند؟ روش تحلیل در این نوشتار روش گفتمان است. در جمع‌آوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و نیز منابع معتبر اینترنتی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: انتخابات ریاست جمهوری، جریان‌شناسی سیاسی، گفتمان، سناریو،

رفتارشناسی

مقدمه

انتخابات یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده مشارکت سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای است. انتخابات ریاست جمهوری به دلیل اهمیت خاصی که در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران دارد، همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و رسانه‌های مختلف داخلی و خارجی بوده است. سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری به دلیل شروعی برای ایران قرن پانزدهم، تعیین‌کننده بودن اولین دولت گام دوم انقلاب اسلامی و دهه پنجم نظام، پیوند احتمالی ریاست جمهوری ۱۴۰۰ با رهبری آینده و تغییرات ساختاری نظام به‌زعم جریان‌ها، معاند نظام، پیوند مسائل دولت آینده با بقا و استمرار و کاهش سرمایه اجتماعی نظام، احتمال ایجاد یکپارچگی ساختاری میان سه قوه در صورت انتخابات رئیس‌جمهور اصولگرا، میراث‌دار بحران اقتصاد و فرهنگ دولت دوازدهم و ضرورت اقدام سریع در بهبود شرایط و لزوم استقرار دولت توانمند و تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر انتخاب دولت جوان حزب‌اللهی (https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=47531) مورد توجه تحلیل‌گران بوده است. مروری بر جریان‌شناسی سیاسی در مطبوعات و رسانه‌های مجازی نشان می‌دهد که این انتخابات حساسیت‌های خاص خود را داشته و چالش‌های نیروهای اجتماعی به‌گونه‌ای بوده که همه جریان‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به این انتخابات تمایل به مشارکت داشته‌اند و سعی کرده‌اند جهت‌گیری‌های سیاسی اجتماعی را به سمتی سوق دهند که خودشان برنده انتخابات باشند. با این توضیح، تحلیل جریان‌شناسی اجتماعی سیاسی انتخابات سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار بوده است. با بررسی دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری در ایران، شرایط کرونایی کشور و نیز عملکرد اقتصادی ضعیف دولت دوازدهم، گمانه‌های مشارکت کم جزو موضوعاتی بود که اکثر تحلیل‌گران نسبت به آن تصدیق کرده‌اند. نوشتار حاضر با توجه به همه مؤلفه‌های ذکر شده تلاش نموده جریان‌های مختلف موجود در کشور را شناسایی و تحت گفتمان‌های مختلف آن‌ها را دسته‌بندی نماید. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که جریان‌های سیاسی اجتماعی کشور بر اساس گفتمان‌های مختلف باسابقه و ظرفیت‌های متفاوت اجتماعی سیاسی در صحنه انتخابات حضور پیدا کرده‌اند و بر اساس وزن‌کشی سیاسی اجتماعی به رقابت پرداخته‌اند. شناخت فضا و تحلیل آن، انتظاری است که از این پژوهش می‌رود. باور داریم که

جریان‌شناسی سیاسی به ما کمک می‌کند که بر اساس جریان‌های سیاسی اجتماعی موجود توانسته باشیم تحلیلی از کنش‌های سیاسی اجتماعی جریان‌های کشور ارائه نموده و به فهم سیاست و سیاست ورزی در ایران ۱۴۰۰ کمک کرده باشیم. در نتیجه، باید سؤال کنیم که سناریوهای رقابت گفتمانی در انتخابات ۱۴۰۰ کدام بوده‌اند و چه تأثیری بر رفتار رأی‌دهی مردم گذاشته‌اند؟ در این مسیر از روش گفتمان بهره برده‌ایم.

پیشینه

در زمینه انتخابات ریاست جمهوری و مشارکت سیاسی در ایران مقالات و کتاب‌های مختلفی به رشته تحریر درآمده است. به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

علی دارابی در مقاله جامعه‌شناسی انتخابات و رفتار انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران ضمن نقد، ارزیابی و تحلیل مفهومی نظریات معطوف به انتخابات و رفتار انتخاباتی، در پاسخ به این سؤال که در جمهوری اسلامی رفتار انتخاباتی شهروندان با کدام یک از سه دسته الگوی نظری جامعه‌شناسی، اقتصاد سیاسی و روانشناسی سیاسی قابل تبیین است بر این فرضیه تأکید دارد که رفتار انتخاباتی پدیده‌ای زمان پرورده، زمینه پرورده و مکان پرورده است. بدین خاطر نمی‌توان به فرا نظریه‌ای جهان‌شمول دست‌یافت که چرایی و چگونگی و محتوای رأی‌دهی در همه کشورهای جهان و حتی همه حوزه‌های انتخابیه درون یک واحد جغرافیایی را در سپهر آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.^۰ (دارابی، ۱۳۷۸)

علی ساعی و همکاران در مقاله رقابت حزبی و مشارکت انتخاباتی: تحلیل ده دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۸)، میزان مشارکت انتخاباتی در ده دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از سال ۱۳۵۸-۱۳۸۸ را مورد تحلیل قرار داده‌اند. موضوع مقاله آن است که میزان مشارکت انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری ایران بر اساس دوره‌ای انتخاباتی دارای تفاوت پذیری پرابلماتیک بوده و تغییرات آن تابع الگوی منظمی نیست. در سطح نظری استدلال نموده که میان میزان مشارکت انتخاباتی و رقابت حزبی رابطه وجود دارد، به گونه‌ای که هرچه بر میزان رقابت حزبی افزوده شود، میزان مشارکت انتخاباتی نیز افزایش می‌یابد. این استدلال با روش تحلیل رگرسیون مورد داوری تجربی قرار گرفته است. (ساعی و همکاران، ۱۳۹۵)

عباس صالحی نجف‌آبادی در مقاله تجزیه و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری در ایران: علل ناکارآمدی روش‌های اثبات‌گرایانه، معتقد است تحلیل‌گران پدیده انتخابات از ابزارها و نظریه‌های مختلفی برای تجزیه و تحلیل انتخابات استفاده می‌کنند که از جمله آن می‌توان به نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، توطئه، روانشناسی سیاسی، انتخاب عقلایی، تحلیل گفتمان اشاره کرد. مقاله به این نتیجه می‌رسد که با توجه به واقعیات سیاسی جامعه ایران و نوع خاص فرهنگ سیاسی مردم ایران باید از ترکیبی از روش‌های اثبات‌گرایانه کمی و استفاده بیشتر از روش‌های تفسیر‌گرایانه کیفی در تجزیه و تحلیل انتخابات استفاده کرد. (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴)

حسین احمدی سفیدان و زهرا نصیرزاده در مقاله بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دهم، به این نتیجه می‌رسند که مشارکت سیاسی عامل کاهنده اضطراب اجتماعی و فشارهای روانی محسوب می‌شود، زیرا شهروندان به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند در گزینش دولت مردان و حکومت یا قوانین نقش داشته باشند. بر اساس نظریه نوریس، ایدئولوژی و باورهای مذهبی در سطح خرد (منابع و انگیزه)، عملکرد دولت خاتمی در سطح کلان و خرد (ساختار دولت و انگیزه)، فعالیت‌های تبلیغاتی و مناظره‌ای در سطح میانی (قوانین انتخاباتی) و عملکرد پوپولیستی احمدی‌نژاد در سطح خرد (منابع و انگیزه) در وضعیت مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دهم قابل تبیین است. (احمدی سفیدان و نصیرزاده، ۱۳۹۹)

علی‌اکبر رزمجو و همکاران در کتاب تاریخ سیاسی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، ضمن آنکه در پی آن هستند که سازه‌های ذهنی مردم در تعامل با فرهنگ سیاسی و تصویرهای سیاستمداران برای کسب آراء، کنترل توده، مبارزه با رقیبان سیاسی و مجادله‌های سیاسی آن‌ها را روشن کنند، تلاش می‌کنند تا کنش آزادانه و داوطلبانه شهروندان در انتخابات حاکمان را فارغ از روش اثبات‌گرایانه یا انتقادی در فرایندهای سیاسی در ۱۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری را نشان دهند و همین‌طور آشکار می‌کنند که چگونه نیروهای سیاسی با در نظر داشتن فرهنگ سیاسی ایران و واقعیت‌های موجود از سازه‌ها بهره گرفته‌اند و در اوضاعی که جامعه با پرسش‌ها و گزاره‌های التهاب‌آور روبه‌رو بوده است تصویرهایی نو بسازند. سازه‌هایی که شاید حلال مشکلات و برطرف‌کننده التهاب‌ها نباشد، اما از دغدغه‌ها کاسته و با خود آرامش و پیروزی در انتخابات را به ارمغان آورده است. (رزمجو و همکاران، ۱۳۹۲)

با بررسی این آثار نشان می‌دهد که این‌ها در مورد انتخابات دوره‌های قبل بوده و تحلیل‌هایی ارائه نموده‌اند، درحالی‌که مقاله حاضر تلاش دارد با اتخاذ رویکرد گفتمانی به بررسی جریان شناسی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بپردازد که هنوز در زمینه جریان شناسی آن مقاله و کتاب تحلیلی ارائه نشده است.

بحث نظری: تحلیل گفتمان به مثابه یک روش

یکی از روش‌های کیفی که اندیشمندان جامعه‌شناسی سیاسی برای بررسی مفاهیم و تحول آن مورد توجه قرار می‌دهند، روش تحلیل گفتمان است. واژه گفتمان از واژه "Discourses" لاتین و "Discourse" فرانسوی و از واژه "Discurrer – Discursum" به معنی گفتگو، محاوره، گفتار و به معنی طفره رفتن، سرباز زدن از، تعلل ورزیدن و ... گرفته شده است. (بشیر، ۱۳۸۵: ۹)

تحلیل گفتمان یک رویکرد میان‌رشته‌ای پیچیده و گسترده‌ای است (فرکلاف، ۱۳۷۹) که در زمان حاضر شامل رویکردهای روش‌شناختی و نظری متفاوت از زبان‌شناسی، گونه‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌باشد. (Wortham, 2007:89) تحلیل گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی) و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸).

مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان نیز با توجه به پیش‌فرض‌های مطرح‌شده عبارت‌اند از:

الف: نشان دادن رابطه بین نویسنده متن و خواننده.

ب: روشن ساختن ساختار.

ج: نشان دادن تأثیر بافت متن؛ جریان تولید گفتمان عمیق و پیچیده تولید متن، یعنی (واحدهای زبانی) و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی) بر روی گفتمان.

د: نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولیدکننده گفتمان (شرایط گفتمان).

ه: نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ‌وقت به‌طور کامل درک نمی‌شود.

و: آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی؛ تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره درصدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن، گفتار یا نوشتاری بی طرف نیست، بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً عمدی و ناآگاهانه باشد.

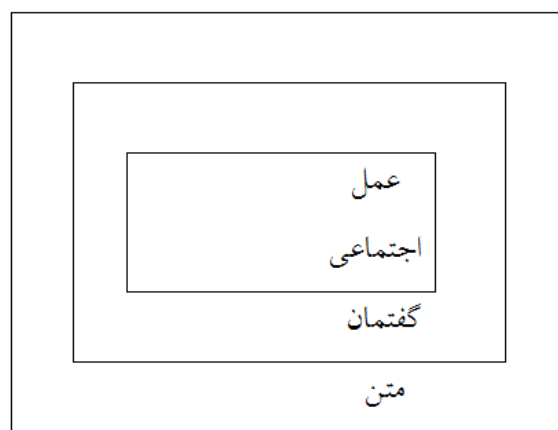
ز: هدف عمده تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و ... به دست آورد. (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۴)

سه رویکرد مطرح شده در رابطه با سه سطح برای این نوع گفتمان، به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی قابل تشخیص است:

- سطح توصیف: در این سطح متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه یا صرف و معنی‌شناسی و تا حدودی کاربردشناسی، مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شود.

- سطح تفسیر: به تفسیر متن بر مبنای آنچه در سطح توصیف بیان شده با در نظر گرفتن بافت موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی و عوامل بینا متنی می‌پردازد.

- سطح تبیین: به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد. (آقاگل زاده، ۱۳۸۶: ۱۹)



نمودار سطوح تحلیل سه‌گانه گفتمان، (Hill:2009:96)

رویکردهای گفتمانی با تمام تنوع و اختلافات، در چند اصل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، اشتراک نظر دارند. برخی از این مفروضات مشترک عبارت‌اند از:

۱. آنچه مهم است و تعیین‌بخش کنش ما است، درک ما از واقعیت است و نه خودِ واقعیت؛ زیرا تا واقعیت ادراک نشود، وجودش برای ما بی‌معنی است.
۲. ادراک واقعیت به واسطه زبان صورت می‌گیرد. زبان خود نیز در بسترهای گفتمانی شکل می‌گیرد. پس واقعیت صرفاً از منظر گفتمانی مشاهده‌پذیر و قابل درک است.
۳. زبان، بازتاباننده صرف واقعیت‌های از پیش موجود نیست. ما با زبان بازنمودهایی از واقعیت را خلق می‌کنیم و به ساخت واقعیت کمک می‌کنیم.
۴. گفتگو و هم‌پرسه، از شروط مقدماتی شکل‌گیری هر گفتمان است.
۵. هر گفتار و نوشتار، کنش و جریانی اجتماعی است. یعنی به منزله کنش هست و درعین حال واجد سرشت و ماهیت اجتماعی است.
۶. گفتمان‌ها هم‌فهم ما را از واقعیت شکل می‌دهند و هم تصویری که از خود داریم.
۷. گفتمان‌ها بسته و نهایی نیستند؛ بلکه بازاند و دائم در حال تغییر و تحول می‌باشند. آن‌ها با تغییرات زمانی و مکانی، تغییر پیدا می‌کنند.
۸. گفتمان‌ها بافتمندند و نهادها و بافت‌های اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در تحول، حفظ و انتشار یک گفتمان دارند.
۹. علم و دانش، پدیده‌هایی گفتمانی و در نتیجه، ایدئولوژیکی تاریخی هستند. (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۴۳ - ۴۴).

سپهر عمومی انتخابات ۱۴۰۰

انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۰ در شرایطی برگزار شده که جریان‌های سیاسی کشور با ارزیابی از وضعیت جهان و منطقه و نیز فضای سیاسی و اجتماعی کشور به وزن‌کشی اجتماعی خود پرداخته و تلاش کرده‌اند با ارزیابی درست وضعیت به معرفی نامزد خود اقدام نمایند. در سطح دنیا به دلیل شرایط کرونایی اقتصاد آسیب جدی خورده بود و

هزینه بهداشت و درمان بسیار زیاد شده بود. در آمریکا علیرغم تلاش جمهوری خواهان نامزد آن‌ها (ترامپ) عرصه را به بایدن (نامزد دموکرات‌ها) واگذار کرد. این رقابت تأثیر قابل توجهی بر جریان‌های داخل کشور ما گذاشت تا جایی که جریان اصلاح طلب با امید بازگشت آمریکا به برجام امید تازه‌ای پیدا نمود. این وضعیت در ادبیات و سخنرانی‌های سران اصلاحات و نیز رئیس‌جمهور وقت ایران کاملاً مشهود بود. در سطح منطقه غرب آسیا داعش نابود شده و تقریباً آرامش نسبی حاکم شده بود. تحرکات رژیم صهیونیستی بیشتر شده و معاهدات متعددی با کشورهای منطقه در حال امضا بود. به نظر می‌رسید فضای سیاسی کشور دارای نقاط عطفی بود که مدنظر قرار دادن این موارد تحلیل شرایط را منطقی‌تر و نتایج حاصل را به واقعیت نزدیک‌تر می‌ساخت:

۱. میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ هم بر اساس منطق و رویکردهای نظری تبیین‌گر و هم بر اساس شواهد میدانی و تجربه انتخابات مجلس (<https://www.icana.ir/>) (Fa/News/443731) نشانگر مشارکت متوسط (از میان سه گزینه حداقلی، متوسط و حداکثری) بود (بین ۴۵ تا ۶۵ درصد) (<https://www.imna.ir/news/481169>) و افزایش آن نیاز به ایجاد موجی از امیدآفرینی در جنبه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و... داشت.
۲. انتخابات ۱۴۰۰ حامل رقابت دو رویکرد نگاه به درون و نگاه به بیرون بود که یکی به دنبال افزایش توسعه ظرفیت‌های درون‌زا و دیگری درصدد توسعه رویکرد بین‌الملل‌گرا بود.
۳. در عرصه گفت‌وگومانی رقابت جدی میان سه گرایش «کارآمدی با مشارکت پایین»، «مشارکت بالا و ارتقای مشروعیت» و «تقسیم و تعادل مشروعیت و مشارکت با هدف افزایش آتی مشروعیت و کارآمدی» بود.
۴. اسامی نامزدهای مطرح‌شده حاکی از ضرورت چهره‌سازی برای نظام و معرفی گزینه‌هایی نو به انتخابات بود.
۵. انتخابات ۱۴۰۰ عرصه منازعه مجازی جریان‌ات و نامزدهای سیاسی بود به گونه‌ای که سهم کمپین‌های مجازی با سرنوشت نامزدها گره‌خورده بود. این گزاره زمانی

- جدی‌تر شد که با سفرهای نوروزی میزان شیوع ویروس کرونا افزایش پیدا کرده و احتمال مرگ‌ومیر بیشتر شده بود و لذا مردم و جریان‌های سیاسی تمایل داشتند در عرصه مجازی بیشتر حضور داشته باشند تا عرصه فیزیکی.
۶. نقش تأثیرگذار شورای نگهبان و عملکرد آن در تأیید نامزدها و چگونگی برگزاری انتخابات غیرقابل انکار بود.
۷. هم‌زمانی انتخابات ریاست جمهوری با انتخابات شوراهای شهر و روستا فرصت مساعدی برای افزایش مشارکت سیاسی به‌ویژه نسل جدید بود. در انتخابات ریاست جمهوری معمولاً تحرک مشارکت سیاسی از بالا به پایین و در شورای اسلامی شهر و روستا تحرک مشارکت سیاسی از پایین به بالا است. در شورای شهر به دلیل فعال شدن مؤلفه‌های مشارکت افزا از قبیل رقابت‌های قومی، زبانی، فامیلی، صنفی، مذهبی، طایفه‌ای، محلی و... معمولاً عرصه رقابت به پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی کشیده می‌شود که این حرکت اجتماعی به افزایش مشارکت سیاسی کمک می‌کند.
۸. گفتمان غالب کشور همچنان گفتمان مذاکره-مقاومت بود و سایر جریان‌های سیاسی کشور تا آن زمان گفتمان جدیدی عرضه نکرده بودند. اگرچه خرده گفتمان‌های تلفیقی از سوی برخی نامزدها مطرح شده بود اما این خرده گفتمان‌ها هنوز به گفتمان غالب تبدیل نشده بودند.
۹. بسیاری از فعالان جریان اصولگرا پیروزی خود را در انتخابات ۱۴۰۰ قطعی می‌پنداشتند و عمده دلیل خود را تغییر گفتمان رقابتی در هر دوره هشت‌ساله در کشور می‌دانستند و تجربه چهل و دو ساله جمهوری اسلامی را شاهد مثال خود عنوان می‌کردند و برای گزینه مشارکت حداکثری چارچوب روشنی نداشتند.
۱۰. با این توصیف از فضای انتخاباتی کشور تصویر روشنی در سپهر گفتمانی انتخابات ۱۴۰۰ در کشور نه برای مردم و نه برای کنشگران سیاسی و اجتماعی وجود نداشت و عمده تحلیل‌ها مبتنی بر حدس و یا تجربه انتخابات گذشته بود. شرایط کشور به‌گونه‌ای بود که هرگونه احتمال برای رقابت و پیروزی جریان‌ها در کشور وجود داشت.

گفتمان‌ها و زیرگفتمان‌های انتخابات ۱۴۰۰

عرصه انتخابات معمولاً عرصه رقابت گفتمان‌ها می‌باشند. در واقع گفتمان‌ها با برجسته‌سازی عناصر و مفاهیمی از خود در عرصه اجتماعی به رقابت می‌پردازند و در واقع بر فضای گفتمانی در عرصه واقعی و مجازی مسلط می‌شوند. اینکه کدام گفتمان مسلط می‌شود بستگی به نحوه ارائه و نحوه دریافت مردم از پیام‌هایی هست که از سوی گفتمان‌های مختلف ارائه می‌شود. گزاره‌هایی که از سوی گفتمان‌ها ارائه می‌شوند هرگاه با نیازها و خواسته‌های مردم تطبیق بیشتر داشته باشند و به‌طور نمادین و واقعی پاسخگوی نیاز و خواست مردم باشند معمولاً مسلط می‌شوند. در نتیجه، نحوه بازنمایی گفتمان بسیار مهم خواهد بود.

انتخابات ۱۴۰۰ حاصل تلاقی چهار کلان‌گفتمان بود که سه تای آن‌ها امکان حضور در عرصه انتخابات داشت و یکی از آن‌ها به دلیل اینکه خارج از چارچوب گفتمانی انقلاب اسلامی قرار داشت و هدف آن نفی جمهوری اسلامی بود امکان حضور در انتخابات پیدا نکرد. گفتمان‌هایی که در انتخابات ۱۴۰۰ حضور داشتند به‌صورت ذیل می‌باشند و طبق بیان بالا، گفتمان تجدیدنظرطلبی به دلیل اینکه از چارچوب گفتمانی نظام اسلامی خارج بود در عرصه رقابت حضور نداشت و در حاشیه رقابت‌های گفتمانی به‌ویژه از سوی معاندین و منافقین از طریق رسانه‌های خارج نشین و یا عرصه شبکه‌های اجتماعی به تولید و بازتولید ادبیات یاس و ناامیدی در منصرف کردن مردم از مشارکت و یا همراه ساختن مردم به نفی نظام اسلامی و یا مشارکت حداکثری در نه به‌نظام تشویق و ترغیب می‌نمود. حجم انبوه شبکه‌های مخالف با محوریت B.B.C و voa و رسانه‌های هم‌سو و نیز شبکه‌های اجتماعی در تلگرام، توتی‌تر، اینستاگرام و... در این گفتمان تعریف می‌شدند. در هر صورت با توجه به شرایط موجود در کشور چهار گفتمان در عرصه سیاسی و اجتماعی حضور داشتند، که عبارت‌اند از:

الف) کارآمدی

ب) اعتدال و ثبات

ج) اصلاح‌طلبی

د) تجدیدنظرطلبی

در ادامه به توضیح هر گفتمان و زیرگفتمان‌های مرتبط می‌پردازیم:

الف) گفتمان کارآمدی

اصطلاح کارآمدی بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد و در فرهنگ علوم سیاسی این اصلاح به اثربخشی، نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا می‌شود. در تعریف کارآمدی آمده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص، سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه استاندارد باهدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده است، صورت می‌گیرد. (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶) از دیدگاه لیپست: کارآمدی عبارت است از تحقق عینی یا توان نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را عیناً مشاهده کنند. (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۱) فارغ از اینکه چه جریانی در عرصه حکمرانی نظام اسلامی حاکم باشد آنچه موجب تداوم نظام می‌شود کارآمدی است. در واقع، مردم از حکومت می‌خواهند که بتواند در عرصه‌های مختلف مدیریتی، اقتصادی و سیاسی به گونه‌ای عمل کنند که برآیند آن به نفع مردم با حداقل هزینه و با بیشترین بهره‌وری و کارایی باشد. جریان اصولگرا به دلیل داشتن پشتوانه حاکمیتی و نیز داشتن قرابت زیاد به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از قبیل عدالت‌خواهی، ارزش‌گرایی و مدیریت جهادی، حداکثر توان خود را با رویکرد نگاه به درون، صرف استفاده از ظرفیت‌ها و نیروهای داخل کشور برای حداکثر سازی بهره‌وری و کارآمدی می‌کرد. گفتمان کارآمدی در آن شرایط خود دارای چهار زیرگفتمان بود که هر کدام از آن‌ها مؤلفه‌ای از گفتمان کارآمدی بودند:

عدالت‌خواه (۲) ارزش‌گرایی اقتدارگرایی (۳) کار جهادی (۴)

ب) گفتمان اعتدال و ثبات

اعتدال در لغت از دو ریشه «عَدَل» از عدالت و «عِدَل» به معنای توازن و تعادل آمده است. با مراجعه به کتب مختلف لغت، معانی متعددی را برای واژه اعتدال می‌توان یافت؛ تساوی، راستی، عدالت، برابری، همواری، تعادل، تعدیل، یکسانی، میانه‌روی در هر چیز و عدم افراط و تفریط (ابن منظور، ج ۱۱، ۴۳۳) از آن جمله است. نکته قابل توجه در مفهوم شناسی اعتدال آن است که مفهوم اعتدال به معنای محافظه‌کاری و یا بی‌تفاوتی در امور نیست، بلکه نوعی میانه‌روی و حرکت در مسیر صراط مستقیم جامعه است، حرکت در

مسیر جاده عدل و انصاف است. اعتدال راهی میانه است که از تندروی و کندروی‌های غیرمنطقی و بی حساب و کج روی‌ها و انحرافات به دور است. (محمدری شهری، ۱۴۰۳، ج ۳: ۵۶۵) یعنی اینکه خیر و خوبی در میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط قرار دارد. بر مبنای دال مرکزی توازن در گفتمان اعتدال در سیاست خارجی عناصر و دقایق آن به صورت عقل‌گرایی و خردورزی، واقع‌بینی و واقع‌گرایی، تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه، امنیت‌طلبی، صلح‌طلبی مثبت و در عرصه داخلی به مفهوم اعتدال در برخورد با مردم به‌دوراز افراط و تفریط تعریف می‌گردد.

ثبات در فرهنگ لغت دهخدا قرار، استقرار، برجای بودن، برجای ماندن، قرار گرفتن، ثبوت، پایداری، استواری، استوار شدن، قیام، بقا، دوام، پابرجائی، پافشاری، ایستادن (لغت‌نامه دهخدا) معنی شده است. در مفهوم اجتماعی، ثبات به معنی دوام وضعیتی است که در آن قرار داریم. همراهی و هم‌پیوندی دو مفهوم اعتدال و ثبات باهم در یک گفتمان نشان دادن وضعیتی بود که در پایان دوره گفتمان اعتدال در دولت تدبیر و امید خواهان تداوم این وضعیت بوده است. این گفتمان نیز در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور دارای دو زیرگفتمان بود:

(۶) اعتدال

(۵) میانه‌رو

ج) گفتمان اصلاح‌طلبی

اصلاح یا رفرم، تغییر آرام و تدریجی، مسالمت‌آمیز و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه‌ای متعادل اتفاق می‌افتد. اصلاحات ممکن است با رسیدن به تغییرات هدفمند و منتج از نیازهای جامعه، از وقوع انقلاب جلوگیری کند. (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۴۳)

اصلاح‌طلبان، نهادهای مدنی را به‌منزله درجه‌ها و منافذ تنفسی جامعه برای استنشاق هوای آزادی و عدالت به شمار می‌آوردند و معتقد بودند که قانون و عدالت بر مصلحت‌اندیشی رجحان داشته و به قانون‌گرایی و توسل به روش‌های مدنی در حوزه‌های اجرایی، تقنینی، قضایی اصرار می‌کردند. سیاست خارجی اصلاح‌طلبان مبتنی بر تنش‌زدایی، سازگاری،

همزیستی و همکاری بود و تلاش می‌کردند که در روابط خود با کشورهای دیگر، تعامل و برخورد‌های دوستانه را جایگزین روابط خصمانه و تقابلی نمایند. اصلاح‌طلبان معتقد بودند که به‌غیر از دولت‌های استکباری و محارب که باید در مقابل آن‌ها ایستادگی کرد، باید با کشورها و ملت‌های غیرمسلمانی که خواهان روابط مسالمت‌آمیز با مسلمانان هستند، تعامل داشت. تحلیل مواضع سیاسی اصلاح‌طلبان این‌گونه است که آن‌ها تلاش می‌کردند در حوزه داخلی با حمایت از نهادهای مدنی و اصرار بر قانون‌گرایی، به ایجاد جامعه مدنی و استقرار حاکمیت قانون دست یابند و در رقابت با اصول‌گرایان، به آن‌ها برچسب انحصارطلبی و تمامیت‌خواهی زده و با معرفی آنان به‌عنوان نقض‌کنندگان حقوق شهروندی و سلب‌کنندگان آزادی‌های قانونی مردم، به دنبال هژمون کردن دال مردم‌گرایی خویش می‌باشند و همچنین در حوزه خارجی با روی آوردن به سیاستی مبتنی بر تنش‌زدایی و تعامل مسالمت‌آمیز، تلاش می‌کردند سیاست خارجی اصول‌گرایان را به‌عنوان سیاستی تقابلی و تنش‌زا معرفی نمایند تا از این طریق، دال‌های رویکرد اصول‌گرایی را به حاشیه رانده، نظام معنایی خویش را برجسته‌نمایند و زمینه گسترش پایگاه مردمی خویش در داخل و افزایش مقبولیت خود در عرصه‌های بین‌المللی را فراهم نمایند. (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۹) این گفتمان خود در آن شرایط دارای دو زیرگفتمان بود:

(۷) اصلاح طلب سستی

(۸) اصلاح طلب رادیکال

(د) گفتمان تجدیدنظرطلبی

تجدیدنظرطلبی "Revisionism" یکی از تغییراتی است که عموماً بعد از وقوع تحولات اساسی و انقلاب‌های بزرگ در میان نخبگان انقلاب بروز پیدا می‌کند. تجدیدنظرطلبان در حقیقت گروهی از نخبگان متعلق به یکی از لایه‌های فکری و اجتماعی فعال‌شده در سیر تحولات هستند که اگرچه ابتدائاً در زمینه‌سازی یا ایجاد تحولات اجتماعی حضور دارند، لکن به تدریج و در گذر زمان نسبت به ایدئولوژی، مبانی فکری و ارزش‌های اولیه خود دچار تردید شده و در نهایت از آن‌ها عدول می‌کنند و حتی ممکن است جریان‌های مخالف با آن را ایجاد یا همراهی کنند. از این‌روی هرگونه عدول از افکار، اندیشه‌ها، باورها و اهدافی که یک فعال سیاسی و یا حتی یک جریان سیاسی به آن باور داشته و درصدد تحقق آن بود تحت

عنوان «تجدیدنظرطلبی» است. نکته مهمی که در میان تجدیدنظرطلبان ایران وجود داشت این است که این گروه، یک گروه و دسته واحد نیست بلکه طیفی را شامل می‌شود که بخشی از آن‌ها تنها از برخی مواضع سیاسی یا اقتصادی و یا سایر امور جزئی که حداکثر جزء اختلاف سلیقه سیاسی می‌باشند عدول کرده و نسبت به آن‌ها تجدیدنظر صورت داده‌اند. برخی از آن‌ها افراد و گروه‌هایی هستند که به‌طور کلی از اصول و آرمان‌های انقلاب عدول کرده و رسماً به‌صفت ضدانقلاب پیوسته‌اند.

جناح چپ کشور پس از پیروزی در انتخابات دوم خرداد ۷۶ تا زمانی که در چارچوب نظام اسلامی و مبانی آن فعالیت می‌کردند حرکتی روبه‌جلو داشته و از حمایت‌های مردمی برخوردار بوده‌اند. اما پس از آنکه عده‌ای از آنان گرایش‌های تجدیدنظرطلبی پیدا کردند و با ابهام‌گویی و افراطی‌گری سعی در گذر از قانون اساسی و هم‌سوئی با مخالفان داشتند و به دنبال تغییر آرام و دموکراتیک ساختار و بنیادهای نظام بودند تا گفتمان لیبرالیسم را تحقق بخشند، دوره افول اصلاحات آغاز گشت. لذا بعد از پیروزی دوم خرداد، کسانی که بر مبنای نوگرایی لیبرال-دینی به تغذیه فکری و هدایتگری آن برای تجدیدنظرطلبی پرداختند بیشترین سهم را در انحراف جریان دوم خرداد و افول آن داشتند. (امیری، ۱۳۸۶) گفتمان تجدیدنظرطلب خود دارای دو زیرگفتمان بود:

۱۰) ضدانقلاب

۹) اپوزیسیون داخلی

در جدول ذیل به‌اختصار گفتمان‌های مطرح‌شده را با مؤلفه‌های زیرگفتمان، دال مرکزی داخلی گفتمان، دال مرکزی خارجی گفتمان، گزینه عملیاتی (با تعریف عملیاتی گفتمان)، هدف نهایی شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، پایگاه اجتماعی گفتمان، میزان مشارکت مطلوب برای آن گفتمان و نهایتاً نامزد مطلوب گفتمان معرفی شده‌اند:

نامزد مطلوب	میزان مشارکت مطلوب	پایگاه اجتماعی	هدف نهایی	گزینه عملیاتی	دال مرکزی خارجی	دال مرکزی داخلی	زیرگفتمان	گفتمان
احمدی نژاد	بالا	طبقات محروم اقتصادی	پالایش درونی نظام با افزایش مفاسد دانه درشت	عدالت طلب	مقاومت و تنش زدایی با جهان	کارآمدی با دوگانه عدالت و فساد	عدالت خواهی	گفتمان کارآمدی
رئیس‌جمهوری - جابلی - فتاح - میرسلیم - ضرغامی	پایین	طبقه متوسط پایین و جریان‌های ارزش‌گرا و سستی	احیا و نمایش کارآمدی ارزش‌ها و به تبع، افزایش مشروعیت نظام	نیروی انقلابی	مقاومت و مذاکره با شرق	کارآمدی با دوگانه عدالت و فساد	ارزش‌گرایی	
رضایی - دهقان - محمد - رستم قاسمی	پایین	طبقه متوسط پایین	کارآمدی فوری با اقتدار	نیروی نظامی	مقاومت	کارآمدی با اقتدار	اقتدارگرایی	
قالبیاف	متوسط و نسبی	طبقه متوسط بالا	کارآمدی فوری با توان جهادی و حضور فعالانه	مدیر توانمند	مقاومت	کارآمدی با کار جهادی	کار جهادی	
لاریجانی - ولایتی - ناطق	متوسط و نسبی	طبقه متوسط مدرن و بالا	ایجاد ثبات سیاسی داخلی و خارجی و اصلاح حداقلی شرایط اقتصادی کشور	عمل‌گرا	مذاکره با شرق و تنش زدایی با غرب	ثبات	میان‌رویی	گفتمان اعتدال و ثبات
ظریف - ستاری - آذری جهرمی	متوسط و نسبی	طبقه متوسط مدرن و بالا	توسعه و رشد اقتصادی از طریق مذاکره با جهان و عضویت در نظام امنیت بین‌الملل	عمل‌گرا	مذاکره	اعتدال	اعتدالی	

جهانگیری عارف اردکانیان صدر محسن هاشمی رفسنجانی	بالا	متوسط مدرن و چپ‌های سنتی	اصلاح شرایط اقتصادی کشور را با فرایندهای قانونی و مورد تأیید نظام و حمایت رهبری	اصلاح طلب دارای شناسنامه	مذاکره	اصلاحات	اصلاح طلب سنتی	گفتمان اصلاح طلبی
معین - محمد رضا خاتمی	دو گانه مشارکت بالا یا تحریم مشارکت	طبقه متوسط مدرن روشنفکری و بالا	تغییر بنیادین در الگوهای حاکمیت با تأکید بر اصلاح رأس هرم قدرت در کشور	اصلاح طلب کشتگر	مذاکره	تغییر	اصلاح طلب رادیکال	
-	تحریم و اعتراض	طبقه متوسط مدرن و روشنفکری و بخشی از طبقات محروم	دگرگونی بنیادین در کلیه سیاست‌های داخلی و بین‌المللی نظام و همگرایی در عرصه بین‌المللی	-	همگرایی با امریکا	دگرگونی	اپوزیسیون داخل	گفتمان تجدید نظر طلبی
رضا پهلوی - مریم رجوی	تحریم و مقابله	عناصر سازمانی چریکی و نیروه‌های پراکنده اجتماعی	دگرگونی بنیادین نظام و تغییر ساختار جمهوری اسلامی از هر طریق ممکن به‌ویژه نظامی	اپوزیسیون خارج	فتنار جهانی	براندازی	ضد انقلاب	

چنانکه بیان کردیم گفت‌مان‌های مختلف در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ فعال بودند و هرکدام زیرگفت‌مان‌های خاص خود را داشتند. طبق جدول فوق نامزدهای احتمالی هرکدام هم مشخص بودند و بر اساس مؤلفه‌های مختلف در جدول فوق در عرصه اجتماعی ظهور و بروز داشتند. بنابراین ما یک طیف گسترده‌ای از نامزدها با گفت‌مان‌های مختلف و پایگاه رأی اجتماعی داشتیم که هرکدام از سرمایه اجتماعی خاصی برخوردار بودند و در ادامه مقاله به پایگاه و میزان مشارکت و احتمال پیروزی هرکدام از نامزدها اشاره خواهیم کرد. بر اساس تحلیل آرای انتخابات و سرمایه اجتماعی جریان‌های سیاسی و گرایش نامزدهای موجود می‌توان به نموداری از طیف‌بندی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ دست‌یافت. البته در مورد نامزدها، افراد کم‌وزیاد شده‌اند و برخی از گردونه رقابت خارج شده‌اند:



عدالت‌خواهی	ارزش‌گرایی	اقتدارگرایی	کار جهادی	میان‌رو	اعتدالی	اصلاح‌طلب سستی	اصلاح‌طلب رادیکال	اپوزیسیون داخلی	ضدانقلاب
احمدی‌نژاد	رئبسی جلیلی فتاح میرسلیم ضرغامی	رضایی دهقان سعید محمد رستم قاسمی	قالیباف منخبر دزفولی	لاریجانی ولایتی ناطق نوری	ظریف سورنا ستاری آذری چهرمی	جهانگیری عارف اردکانیان صدر هاشمی رفسنجانی	معین محمدرضا خاتمی	--	--

رفتار رأی‌دهی اجتماعی در ایران

رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات رایج‌ترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار است. رأی‌دهی در واقع یک نوع مکانیسم اجتماعی برای جمع‌آوری و تشخیص‌ها و ارجحیت اجتماعی است. در یک دیدگاه کلی، الگوهای نظری مختلفی درباره رفتار انتخاباتی در سه رویکرد عمده خلاصه می‌شود: رویکرد جامعه‌شناختی، رویکرد روانی-سیاسی و رویکرد انتخاب عقلانی-اقتصادی. (عبدالله، ۸۸: ۱۳۸۸) در حقیقت بررسی رفتار رأی‌دهی مردم در نقطه تلاقی علوم مختلف از جمله سیاست، روانشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، ارتباطات و آمار قرار دارد. نقطه آغازین این حوزه از علوم سیاسی شروع می‌شود. بر این اساس رویکردهای مختلفی در مورد رفتار

رأی‌دهی در علوم مختلف وجود دارد. در علوم سیاسی (رویکرد حزبی، رویکرد ایدئولوژی مسلط)، در جامعه‌شناسی سیاسی (رویکرد کارکردگرایی، رویکرد مبادله و رویکرد ارزشیابی سیاسی)، در روانشناسی سیاسی (رویکرد مکتب شیکاگو، رویکرد مکتب شناختی و رویکرد مکتب اینگلهارت)، در اقتصاد سیاسی (رویکردهای انتخاب عقلانی) و در ارتباطات سیاسی (رویکردهای تأثیر رسانه‌ای) وجود دارد. (یوسفی رامندی، ۹۰:۱۳۹۷)

مطالعات جدید در این زمینه نشان می‌دهد که با یک مدل و رویکرد نمی‌توان به رفتار رأی‌دهی یک جامعه پی برد و پیچیدگی‌های زیادی در این زمینه مشاهده شده است. بنابراین اندیشمندان الگوها و رویکردهای تلفیقی ارائه نموده‌اند. در این زمینه اشاره به سه مدل راهگشا خواهد بود:

الف) مدل مایر و پاسکال که بر اساس نگرش سیستمی پرداخته شده است. بر اساس این مدل رأی هر فرد در نتیجه فرایندی است که مقتضیات زمان، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی بخشی از آن محسوب می‌شوند.

ب) مدل ویلیام میلر؛ این مدل مشتمل بر شش عنصر اصلی است که عبارت‌اند از: بافت اجتماع، تعلق خاطر حزبی، نگرش‌ها، اوضاع و احوال حاکم بر انتخابات، وضع رسانه‌ها و اعمال احزاب و دولت حاکم.

ج) مدل پپیانوریس که در سه سطح خرد، میانی و کلان به مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی می‌پردازد. این مدل در سطح خرد به انگیزه‌ها و منابع، در سطح میانی به عوامل بسیج و در سطح کلان به ساختار دولت و میزان مدرنیزاسیون جامعه می‌پردازد. (عبدالله، ۹۹:۱۳۸۸-۱۰۲)

تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که در این بیش از چهار دهه عمر جمهوری اسلامی مردم با میزان و کیفیت‌های متفاوتی در انتخابات مختلف مشارکت داشته‌اند و رفتارهای رأی‌دهی مختلفی از خود به منصف ظهور رسانده‌اند؛ از مشارکت سیاسی ۹۸/۲ درصد مشارکت در انتخابات تأسیس جمهوری اسلامی تا مشارکت پایین در انتخابات مجلس شورای اسلامی اخیر. علاوه بر تطبیق همه الگوهای رایج رأی‌دهی با الگوی رأی‌دهی مردم ایران، مؤلفه‌ای که شاید منحصر به مردم ایران اسلامی باشد، می‌توان به «رفتار رأی‌دهی

بر اساس تکلیف شرعی» اشاره کرد که نظریه‌های رایج رفتار رأی‌دهی توان تحلیل آن را ندارند و درعین حال بخش قابل توجهی از آرای مردم ایران مبتنی بر آن است. با بررسی نتایج انتخابات سه دهه گذشته بر اساس مطالعات و تجربه انتخاباتی، می‌توان جمع‌بندی زیر را درباره پایگاه رأی و رفتار انتخاباتی پنج‌گرایش در جامعه ایران مطرح کرد:

«زندگی خواهان» حدود ۱۰ درصد پایگاه رأی در ایران دارند. این گروه از رأی‌دهندگان بنا به اقتضای زندگی اقتصادی خود ممکن است به یکی از دو جناح حاکم در جمهوری اسلامی رأی دهند، یا اینکه اصلاً رأی ندهند.

«تحول خواهان» حدود ۱۰ درصد پایگاه رأی در کشور دارند. این گروه اگر بنا به شرایط خاص بخواهند در انتخابات شرکت کنند، به کاندیدای جناح اصلاح طلب رأی می‌دادند (یا اینکه رأی باطله اعتراضی می‌دادند).

«سرنگونی خواهان» حدود ۵ تا ۱۰ درصد پایگاه رأی در ایران دارند. این گروه معمولاً در هیچ انتخاباتی شرکت نمی‌کنند و اگر بنا به ملاحظاتی در انتخابات شرکت کنند، رأی باطله می‌دهند.

«بی تفاوت‌ها» حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد پایگاه رأی دارند. این گروه به‌طور معمول در هیچ شرایطی در انتخابات حاضر نمی‌شوند و تنها در دوره‌های نخستین انتخابات در جمهوری اسلامی رأی آنان ثبت شده است.

«اصلاح طلبان» (به همراه اعتدال‌گرایان) حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد پایگاه رأی در ایران دارند. این جریان سیاسی ممکن بود بتواند آرای دو گروه تحول خواهان و زندگی خواهان را در انتخابات با خود همراه کند. در نتیجه اصلاح طلبان می‌توانستند حداقل حدود ۲۰ درصد واجدین حق رأی و حداکثر حدود ۵۵ درصد واجدین را در یک انتخابات با خود همراه کنند که در صورت جلب رأی حداکثری امکان پیروزی در دور اول را داشتند.

«اصول‌گرایان» حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد پایگاه رأی در ایران دارند. این جریان سیاسی نیز ممکن بود بتواند رأی زندگی خواهان را در انتخابات با خود همراه کند. از این‌رو محافظه‌کاران می‌توانستند حداقل حدود ۳۰ درصد واجدین حق رأی و حداکثر آرای حدود ۴۵ درصد واجدین را کسب کنند که در صورت جلب رأی حداکثری خود و متوسط یا پایین اصلاح طلبان شانس به مراتب بیشتری برای پیروزی داشتند.

سناریوهای ممکن رقابت گفتمان‌ها در انتخابات ۱۴۰۰

کلمه سناریو از عبارت لاتین "Scenario" گرفته شده، و دارای معنی واحد، و تعبیر متفاوتی در حوزه‌های مختلف کاربردی آن است. در عالم سیاست، کلمه سناریو به عنوان متن و سندی است که در آن متناسب با محیط داخلی و بیرونی دور و نزدیک، تهدیدات و فرصت‌ها و...؛ شرایط سیاسی احتمالی آینده به تصویر کشیده شده است. در این متن سعی در پیش‌بینی، آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری و شبیه‌سازی شرایط احتمالی سیاسی بحث شده است.

تعاریف متعدد و متفاوتی درباره سناریو و سناریو نگاری وجود دارند. مثال‌هایی از تعاریف مطرح شده توسط افراد صاحب نظر در این زمینه به شرح ذیل می‌باشند: مایکل پورتر می‌نویسد، سناریو، دیدگاهی است با سازگاری درونی و محتوایی نسبت به آنچه در آینده می‌تواند رخ دهد. (پورتر، ۱۳۹۹)، پیترو شوارتز می‌گوید، سناریوها ابزاری برای نظم دهی به ادراک یک فرد درباره محیط‌های بدیل آینده است که تصمیم‌های فرد در آن محیط‌ها گرفته خواهند شد. (شوارتز، ۱۳۹۱)، میشل گوده و روبلا معتقدند، سناریوها توصیف موقعیت‌های آینده و رویدادها ممکن در آن موقعیت‌ها هستند، به گونه‌ای که شخص بتواند از موقعیت کنونی خود به سوی آینده‌های بدیل حرکت کند. سناریوها شیوه‌ای هستند که نتایج پیش‌بینی‌ها را به صورتی منسجم و متقاعدکننده ارائه می‌دهند. (گوده و روبلا، ۱۹۹۶)، پیر واک معتقد است، سناریوها به مدیران برای ساختاردهی عدم قطعیت‌های آینده کمک می‌کنند. (واک، ۱۹۸۵) با بررسی تعاریف شاید بتوان گفت: «سناریو سندی است که با استفاده از حدس عالمانه و شبیه‌سازی فراگیر، شرایطی فرضی از آینده را به شکل داستانی و تشریحی ترسیم نموده، و اقدامات و الزامات ضروری برای حضور موفق در آن شرایط احتمالی را مشخص نموده است». سناریوهای رقابت گفتمانی گفتمان‌های مطرح شده در جداول بالا حاکی از چهار نوع رقابت بوده است، البته این سناریوها را چنان‌که گفتیم بر اساس حدس عالمانه و شبیه‌سازی فراگیر و با توجه به شناختی که از جامعه ایرانی و رفتار رأی‌دهی مردم ایران بر اساس الگوهای مختلف قابل تبیین بود، ترسیم نموده‌ایم:

۱. رقابت گفتمان کارآمدی با گفتمان اعتدال و ثبات ← مشارکت متوسط ← احتمال

پیروزی گفتمان کارآمدی

۲. رقابت گفتمان کارآمدی با گفتمان تجدیدنظرطلبی ← مشارکت بالا ← احتمال پیروزی گفتمان تجدیدنظرطلب
۳. رقابت گفتمان اعتدال و ثبات با گفتمان تجدیدنظرطلبی ← مشارکت متوسط ← احتمال پیروزی گفتمان اعتدال و ثبات
۴. رقابت هر سه گفتمان:

(الف) مشارکت بالا ← احتمال پیروزی گفتمان اعتدال و ثبات

(ب) مشارکت پایین یا متوسط ← احتمال پیروزی گفتمان کارآمدی

درعین حال اگر سناریوهای دیگری بر اساس حاکمیت گفتمان با نامزد واحد گفتمانی صورت می‌گرفت احتمال‌های دیگری به صورت ذیل اتفاق می‌افتاد:

۱. حاکمیت گفتمان مذاکره - مقاومت با نامزد واحد گفتمانی: مشارکت بالا ← ائتلاف گفتمان تجدیدنظرطلبی با گفتمان اعتدال ← پیروزی گفتمان ائتلاف (اعتدال و ثبات)
۲. حاکمیت گفتمان کارآمدی با نامزد واحد گفتمانی: مشارکت پایین ← پیروزی گفتمان کارآمدی

سرنوشت سناریوها

در مدت ۵ روزه ثبت‌نام از ۲۱ تا ۲۵ اردیبهشت، ۵۹۲ نفر با حضور در وزارت کشور داوطلب سیزدهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری شدند که از این شمار ۴۰ نفر زن و ۵۵۲ نفر مرد بودند. از ۵۹۲ نامزد ثبت‌نام‌شده، ۴۶ نفر از افراد شناخته‌شده بودند که شورای نگهبان صلاحیت هفت نفر را برای نامزدی در انتخابات سیزدهم ریاست جمهوری تأیید کرد: محسن رضایی، سید ابراهیم رئیسی، سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، عبدالناصر همتی، محسن مهرعلیزاده، علیرضا زاکانی و سعید جلیلی. جلیلی و زاکانی به نفع رئیسی و مهرعلیزاده به نفع همتی کناره‌گیری کردند. افرادی چون احمدی‌نژاد، لاریجانی، جهانگیری، مطهری، تاج‌زاده، محسن هاشمی رفسنجانی، پزشکیان، آخوندی، ضرغامی، شریعتمداری

از جمله چهره‌های برجسته تأیید نشده از سوی شورای نگهبان بودند. بر این اساس از مجموع گفتمان‌ها و زیرگفتمان‌های ممکن برای مشارکت، سه گفتمان کارآمدی، اعتدال و ثبات و اصلاح‌طلبی نامزدهای حداقلی وارد عرصه رقابت شدند.

در این میان، پنج نامزد از گفتمان کارآمدی (وابسته به دو زیرگفتمان ارزش‌گرا و اقتدارگرا)، یک نامزد از گفتمان اعتدال و ثبات (وابسته به زیرگفتمان اعتدال) و یک نامزد از گفتمان اصلاح‌طلبی (وابسته به زیرگفتمان اصلاح‌طلب سنتی) حضور داشتند.

فهرست نهایی تأیید صلاحیت شدگان ریاست جمهوری

نام	جناح سیاسی	تشکل سیاسی	حامیان	وضعیت
سعید جلیلی	اصول‌گرایان	پایداری	—	انصراف داد.
محسن رضایی	اصول‌گرایان	ایستادگی	• شاننا	انتخاب نشد
سید ابراهیم رئیسی	اصول‌گرایان	مستقل	• شاننا • جامع‌ترین • وحدت • پایداری • مؤتلفه	انتخاب شد
علیرضا زاکانی	اصول‌گرایان	رهپویان	—	انصراف داد
سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی	اصول‌گرایان	مستقل	• قانون	انتخاب نشد
محسن مهرعلیزاده	اصلاح‌طلبان	مستقل	• راه ملت • فرزندان ایران	انصراف داد
عبدناصر همتی	اعتدال‌گرایان اصلاح‌طلبان	کارگزاران	• ائتلاف جمهور	انتخاب نشد

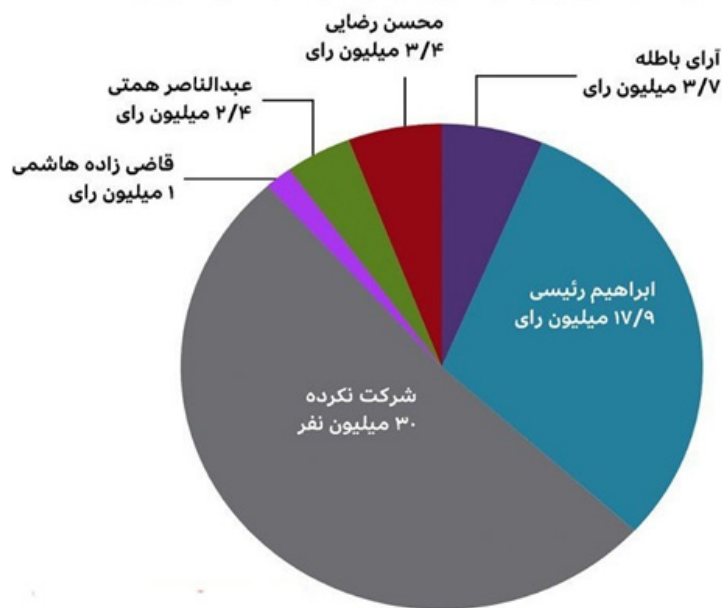
در نهایت، انتخابات با مشارکت ۵۹,۳۱۰,۳۰۷ نفر و ۴۸ درصد واجدان صلاحیت رأی‌دهی و با پیروزی ۶۲,۹۰ درصدی سید ابراهیم رئیسی خاتمه یافت. نکته قابل تأمل در این انتخابات میزان آرای باطله بود که در رتبه دوم آرا قرار می‌گرفت.

میزان رأی اخذشده هر نامزد

رئیزی	۶۲/۹۰٪
رضایی	۱۲/۰۱٪
همتی	۸/۵۳٪
قاضی زاده	۳/۵۰٪
باطله	۱۳/۰۶٪

نتایج نهایی شمارش آرای انتخابات ۱۴۰۰ ایران

مشارکت ۴۸/۸٪ (بیش از ۵۱ درصد از واجدان شرایط در انتخابات شرکت نکردند)



منبع: ستاد انتخابات کشور

ناامیدی جامعه از پیگیری مطالبات فساد گسترده مالی و اداری، اعتراض‌های سراسری دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸، ناتوانی دولت روحانی در تحقق وعده‌های اقتصادی و اجتماعی او در زمان انتخابات، از دلایل ریزش مشارکت مردمی به شمار می‌رود. برخی تحلیل‌گران، رشد ۴،۵ درصدی شکاف طبقاتی، ۲۰ برابر شدن نرخ ارز خارجی، دو برابر شدن حاشیه‌نشینان

شهری، افزایش بیکاران، تشدید فرار سرمایه و فرار مغزها از ایران، در دوران دولت «تدبیر و امید» را به دوره «مرگ اصلاح‌طلبی» تعبیر کرده‌اند. («مجید محمدی، دهه‌ای که از دست رفت؛ خوشحالیم که ونزوئلا نشده‌ایم». ایندپندنت فارسی. ۲۰۲۱-۰۳-۱۷). برخی دیگر معتقدند «مدیریت ضعیف، نظارت گریز، کاهلانه، از سر شکم‌سیری، آمرانه، غیر مشارکتی و قبیله‌گرایانه حسن روحانی و ابتدای آن به گفتاردرمانی در کنار نگاه امنیتی و محافظه‌کاری یک فاجعه در ساماندهی قوه مجریه پدید آورد» به‌طوری‌که «این میزان از وادادگی، ره‌اشدگی و شلختگی در سامان دولت بی‌سابقه بوده است» (علی افشاری، «چرا روحانی بدترین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی است؟»، رادیو فردا. ۲۰۲۱-۰۳-۲۵).

نتیجه‌گیری

در آغازین ماه‌های سال ۱۴۰۰ جمهوری اسلامی ایران، انتخابات ریاست جمهوری همراه با انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا به‌عنوان عرصه‌های مشارکت سیاسی اجتماعی کشور که نقش مهمی در ارتقای مردم‌سالاری و تقویت پیوند مردم با آینده کشور دارند رقم خورد. در سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران جریان‌های مختلف سیاسی اجتماعی با گفتمان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی با ارزیابی فضای عمومی کشور درصدد معرفی نامزد برای رقابت در صحنه مبارزات انتخاباتی بودند که سرانجام با سناریویی که کمتر قابل پیش‌بینی بود (عدم تأیید صلاحیت برخی چهره‌های مؤثر) و نتیجه‌ای که تقریباً اختلافی در آن نبود (پیروزی سید ابراهیم رئیسی) به پایان رسید. نوشتار حاضر با بررسی سپهر گفتمانی کشور و نیز شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف، البته با توجه به سابقه‌ای که این گفتمان‌ها در چند دهه اخیر انقلاب اسلامی داشته‌اند، بنا داشت سناریوهای مشارکت چهار گفتمان فعال در کشور در عرصه سیاسی و اجتماعی را به تصویر بکشد و آینده‌پژوهی روشنی از شرایط در حال وقوع ارائه دهد. گفتمان‌های کارآمدی، اعتدال و ثبات، اصلاح‌طلبی و تجدیدنظرطلبی که هر یک چند زیرگفتمان دارند مهم‌ترین پیشران‌های سیاسی و انتخاباتی در کشورند که شناخت تأثیر و ضریب و نفوذ آنان می‌تواند تصویری روشن‌تر از انتخابات‌های آینده نیز ارائه نماید. از گفتمان‌های بیان‌شده سه گفتمان با نامزدهای حداقلی ممکن در عرصه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ حضور یافتند و با توجه به الگوهای رأی‌دهی مردم ایران به رقابت

پرداختند. طبق فرض مقاله اگر نامزدهای همه این گفتمان‌ها به‌جز گفتمان معاند و برانداز از فیلتر شورای نگهبان عبور کرده و در صحنه عمل حضور پیدا می‌کردند و مؤلفه‌های مؤثر نظام بین‌الملل هم تغییر محسوسی نداشت، حضور گفتمانی جریان‌های سیاسی و اجتماعی بر اساس سه گفتمان با زیرگفتمان‌های مشخص در صحنه آرای انتخابات نقش‌آفرینی داشت.

کتاب‌نامه

۱. ابن منظور، (۱۴۱۰). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. احمدی سفیدان، حسین، نصیرزاده، زهرا، (۱۳۹۹). بررسی وضعیت مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و دهم، سیاست متعالیه، دوره ۸، شماره ۲۹، صفحه ۲۳۱-۲۵۲.
۳. افشاری، علی، (۲۰۲۱). چرا روحانی بدترین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی است؟، رادیو فردا. (۲۰۲۱-۰۳-۲۵).
۴. امیری، جهاندار، (۱۳۸۶). اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدرخوانده‌ها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. آقابخشی، علی، (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
۶. آقاگل‌زاده، فردوس، (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
۷. بشیر، حسن، (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ چهارم.
۸. پورتر، مایکل، (۱۳۹۹). استراتژی رقابتی تکنیک‌های تحلیل صنعت و رقبا، عباس مهرپویا و جهانگیر مجیدی (مترجم)، تهران، رسا.
۹. دارابی، علی، (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انتخابات و رفتار انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، زمستان ۱۳۸۷، دوره ۱، شماره ۲؛ از صفحه ۶۷ تا صفحه ۱۰۲.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا.
۱۱. رزمجو، علی‌اکبر، خواجه‌سروی، غلامرضا، شاعری، محسن، (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۲.
۱۲. سعادی، علی، سرداری، علی‌اکبر، خلیلی اردکانی، محمدعلی، (۱۳۹۵). رقابت حزبی و مشارکت انتخاباتی: تحلیل ده دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۸، شماره ۲.
۱۳. شواتز، پیتر، (۱۳۹۱). هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای با عدم قطعیت، مترجم: عزیز علیزاده، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۴. صالحی نجف‌آبادی، عباس، (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری در ایران: علل ناکارآمدی روش‌های اثبات‌گرایانه، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۲ - شماره پیاپی ۳۲، صفحه ۸۳-۱۱۵.
۱۵. عبدالله، عبدالمطلب، (۱۳۸۸). سیری در نظریه‌های رفتار رأی‌دهی، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، سال هشتم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۸۷ - ۱۰۴.

۱۶. عیوضی، محمد رحیم؛ هراتی، محمد جواد، (۱۳۸۹) درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران. قم، دفتر نشر معارف.
۱۷. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه: پیران و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۸. قاسمی، کریم؛ اقارب رست، محمدرضا؛ شفیعی، اسماعی، (۱۳۹۹) مقایسه مواضع سیاسی دو رویکرد اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در جمهوری اسلامی ایران. سپهر سیاست. ۷ (۲۵). صص ۴۷-۷۶.
۱۹. قجری، حسینعلی و نظری، جواد، (۱۳۹۲)، کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، چاپ اول. انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۰. لپیست، سیمور، (۱۳۷۴). مشروعیت و کارآمدی، ترجمه: رضا زبیب، فرهنگ توسعه، سال چهارم، ش ۱۸.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۴۰۳) میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلای الاسلامی.
۲۲. محمدی، مجید، (۲۰۲۱). دهه‌ای که از دست رفت؛ خوشحالیم که ونزوئلا نشده‌ایم. ایندپندنت فارسی. ۲۰۲۱-۰۳-۱۷.
۲۳. یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس.
۲۴. یوسفی رامندی، رسول، (۱۳۹۷). الگوی رفتار رای‌دهی مردم جمهوری اسلامی ایران در انتخابات مبتنی بر رویکرد بازاریابی سیاسی، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، صص ۶۳-۹۷.
25. Godet, M., & Roubelat, F. (1996). Creating the future: the use and misuse of scenarios. France: Economica publish.
26. Hill, H. (2009). Outsourcing the public library: A Critical Discourse Analysis (Dissertation), the Faculty of the Graduate School at the University.
27. <https://www.icana.ir/Fa/News/443731/>
28. <https://www.imna.ir/news/481169>
29. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=47531>
30. Wack, P. (2003). Scenarios uncharted waters ahead Haward Business Review.
31. Wortham, S. (2007). Education 645: Methods of Discourse Analysis.